

بررسی آزادی فردی از نظر تعالیم اسلامی

معصومه حق قمری^۱، الهه نعمتی^۲ و حمید جعفریان^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی-گرایش مشاوره و راهنمایی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی-گرایش مشاوره و راهنمایی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۳- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان-رشته فلسفه تعلیم و تربیت-گرایش علوم تربیتی

چکیده

آزادی، مفهومی ستایش شده است و دست یابی به آزادی و رهایی از قیدها و محدودیت ها، یکی از پرشورترین آرمان های بشر به شمار می آید. هدف مقاله حاضر نگاهی به آزادی فردی از نگاه اسلام و حدود مشخص شده آن و پاسخ به این پرسش است که آزادی فردی از نگاه تعالیم اسلامی چیست؟ و حدود آن چه می باشد. در مقاله پیش رو به تعریف آزادی، آزادی فردی، استخراج آیات قرآنی در زمینه آزادی و آزادی فردی و حدود مشخص شده آن در دین مبین اسلام پرداخته شده است. روش مطالعه، فن کتابخانه ای می باشد که با مراجعه به مقالات و کتاب ها صورت پذیرفته است. مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که آزادی فردی یعنی داشتن حق و اختیار و مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود؛ و اسلام، آزادی انسان را تنها محدود به عدم دخالت دیگران در کار او و گزینش او نمی داند بلکه آزادی از اوهام و خرافات و هواهای نفسانی و عادات و رسوم غلط را نیز شرط استقرار آزادی می داند و از آن ها به عنوان قیدوبندهایی یاد می کند که آزادی را از انسان سلب می کنند و بشر باید در گسستن آن ها و آزاد کردن خود بکوشد و انسان پیش از آن که در برابر حقوق دیگران مسئول باشد، در برابر حقوق خویش مسئول است؛ محدوده آزادی فردی از دید اسلام، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه، مصلحت و سلامت و رستگاری خود شخص نیز هست و حدود آزادی فردی در اسلام به سه دسته ۱. آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد، ۲. آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان و ۳. آزادی عقیده و مذهب تقسیم می شود.

واژه های کلیدی: آزادی فردی، دیدگاه اسلام، حکومت اسلامی، گزینش اعمال، مسئولیت

مقدمه:

استاد مطهری آزادی را یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی دانسته است و آن را جزء معنویات در مقابل جسمانیت، مافوق ارزش‌های مادی برمی‌شمارد (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۴۸). انسان آزاد است و باید آزاد بماند و هیچ مانع و قید خارجی او را محدود نسازد، زیرا او قید عقل را در وجدان خود دارد؛ قیدی که سبب آزادی او از پلیدی‌ها و موانع حرکت معقول است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۹۲).

از دیدگاه اسلام، انسان از نظر تکوینی آزاد آفریده شده است و از نظر تشریحی هیچ‌کس غیر از خداوند حق فرمان دادن و دخالت در امور وی را ندارد. در حقیقت آزادی یک جزء سلبی «فرمان غیر خدا را اطاعت نکردن» و یک جزء ایجابی «اطاعت از فرمان خدا» دارد. در نتیجه، انسان درباره تمام اموری که خداوند متعال به آن امر کرده است؛ مورد پرسش قرار می‌گیرد و درباره همه کسانی که خداوند فرمان اطاعت از وی را داده است مسئول است؛ از این رو آزادی همواره با مسئولیت همراه است؛ به همین علت قلمرو آزادی و مسئولیت‌های اقتصادی مردم به وسیله شرع مقدس اسلام تعیین می‌شود. آزادی به مفهوم حقیقی آن ارمغان دین اسلام و پیامبر اکرم (ص) است. در جهان‌بینی اسلام، خداوند متعال انسان را آزاد آفریده است و از وی می‌خواهد آزاد زندگی کند (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۶۲-۶۳).

صرف ویژگی اختیار، داشتن حق‌گزینش را قرآن برای انسان به رسمیت می‌شناسد و همین را البته دلیل مسئول بودن او می‌داند. وقتی می‌گوید: «ما راه را به انسان نمایانیم یا سپاسگزار است و رهنمون می‌شود و یا ناسپاس است و به بیراهه می‌رود؛ انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» (سوره انسان، ۳). این آیه بدین معنا است که در وجود انسان این آزادی یعنی حق‌گزینش وجود دارد و می‌تواند بین دو چیز یکی را انتخاب کند (میرمعزی، ۱۳۸۷).

بیان مسئله

یکی از ممیزات آشکار ادیان الهی با مکاتب بشری در این است که انسان فقط در برابر رعایت حقوق دیگران مسئول می‌باشد؛ در حالی که در ادیان الهی و شفاف‌تر از همه‌ی آن‌ها در اسلام، انسان پیش از آن که در برابر حقوق دیگران مسئول باشد، در برابر حقوق خویش مسئول است و پیش از آن که بتواند حقوق دیگران و یا حق‌خویش در قبال دیگران را بشناسد، باید بتواند حق خود در برابر خویش را درک کند و بشناسد. بدین گونه در نگاه قرآن، حقوق انسانی پیش از آن که در روابط فرد و جامعه مطرح شود، در سازمان درونی وجود خود انسان مطرح خواهد بود و انسان پیش از آن که دل مشغولی آزادی بیرونی را داشته باشد، باید نگران آزادی درونی خود باشد؛ حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آزادی فردی از نگاه تعالیم اسلامی چیست؟

آزادی فردی

آزادی فردی بدین مفهوم است که افراد در روابط با یکدیگر حق ندارند به سلامت جسم و جان، همسر، فرزند، ملک و مال، آبرو، حیثیت و موقعیت و اسرار شخصی و خانوادگی یکدیگر زیان وارد کنند (اسلامی، ۱۳۸۲). محدوده آزادی فردی از دید اسلام، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه، مصلحت و سلامت و رستگاری خود شخص نیز هست. انسان در ذات خود آزاد است یعنی نسبت به موجودات دیگر این امتیاز را دارد که می‌تواند بین خوبی‌ها و بدی‌ها یکی را انتخاب نماید ولی همواره این آزادی به‌سوی انتخاب خوبی‌ها هدایت می‌شود و انسان مسئول است که از بدی‌ها دوری جوید و به خوبی‌ها روی آورد، حتی اگر ترک خوبی و یا ارتکاب بدی، به کسی لطمه‌ای وارد نسازد و مخل آزادی دیگری نباشد. اسلام، آزادی انسان را تنها محدود به عدم دخالت دیگران در کار او و گزینش او نمی‌داند بلکه آزادی از اوهام و خرافات و هواهای نفسانی و عادات و رسوم غلط را نیز شرط استقرار آزادی می‌داند و از آن‌ها به‌عنوان قیدوبندهایی یاد می‌کند که آزادی را از انسان سلب می‌کنند و بشر باید در گسستن آن‌ها و آزاد کردن خود بکوشد (میرمعزی، ۱۳۸۷). «و یضع عنهم إصرهم و الاغلال التي كانت علیهم؛ بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد» (سوره اعراب، آیه ۱۵۶). از دیدگاه علامه طباطبایی إصر به معنای گره‌زدن و حبس کردن به قهر است و «و یضع عنهم إصرهم» بدین معنا است که خداوند چیزهایی را که مانع آنها از خیرات و رسیدن به صواب می‌شود از آنان بر دارد؛ و «اغلال» جمع «غل» و به معنای طوق و بندی است که به دست و پای اشخاص می‌اندازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۸). آنچه از حقوق جزایی و کیفری به آزادی‌های فردی باز می‌گردد و در قلمرو حقوق مدنی جای می‌گیرد و نیز اسلام آن‌ها را به رسمیت شناخته است، عبارت‌اند از:

حق مالکیت برابر زن و مرد و بهره‌وری هر فرد از دستاوردهای خود: «للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن و استلوا الله من فضله... مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از دستاورد خویش دارند (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا طلب کنید» (سوره‌ی نساء، آیه ۳۲).

حرمت و شخصیت و شرافت اجتماعی و انسانی زنان و مردان و حتی گروه‌های اجتماعی: «یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم عسی أن یکونوا خیراً منهم و لا نساء من نساء عسی أن یکنّ خیراً منهم و لا تلمزوا أنفسکم و لا تنابزوا بالألقاب بئس الاثم الفسوق بعد الإیمان و من لم یتب فأولئک هم الظالمون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی از این‌ها بهتر باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آن‌ها که توبه نکنند ظالم و ستمگرانند» (سوره حجرات، آیه ۱۱).

کرامت معنوی افراد و اصل سلامت و پاکی انسان‌ها و ممنوعیت اتهام‌ها و بدبینی‌های توهمی و بی‌دلیل در مورد افراد جامعه: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظنّ من بعض الظنّ إثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکرموه و اتقوا الله إنّ الله توّاب رحیم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! به یقین همه‌ی شما از این کار کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است» (سوره حجرات، آیه ۱۲).

حق حیات و زندگی هر انسان و ممنوعیت شدید نادیده گرفتن این حق انسانی: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و أعدّ له عذاباً عظیماً؛

و هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد بکشد مجازات او دوزخ است؛ درحالی‌که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمت خویشتن دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او مهیا ساخته است.

آزادی‌های فردی عمدتاً شامل حق زندگی، آزادی رفت‌وآمد و اختیار مسکن، مصونیت خانه و مسکن، مصونیت و یا امنیت شخصی، مصونیت مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و اسرار شخصی، آزادی در زندگی داخلی و خصوصی و آزادی فکر، عقیده، مذهب و ... بیان می‌باشد (اسلامی، ۱۳۸۲).

در منطق اسلام، انسان آزاده آن است که از بردگی انسان‌های دیگر رها و از بندگی خواست‌ها و امیال حیوانی خویش نیز آزاد باشد، آنکه نمی‌تواند بر امیال و هواهای نفسانی خویش غالب آید، او نیز آزاد نیست بلکه بنده و برده‌ای است که با پیروی از هوای نفس به گمراهی و هلاکت کشیده می‌شود: «افرأیت من اتخذ الهه هواه واضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فمن بهدیه من بعدالله افلا تذکرون» (سوره جاثیه، آیه ۲۳).

از دیدگاه اسلام، انسان آزاد کسی است که از هواهای نفسانی فرمان نگیرد، اسیر عادات و سنت‌های غیر الهی نشود. همسر، فرزند و مال و مقام دنیا او را از راه حق باز ندارد و در برابر ستمگران استادگی کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷). اسلام، بندگی خدا را برای انسان موجب کمال او می‌داند و درواقع آزادگی و آزادی او را از قید بندگی دیگران مرهون بندگی خداوند می‌داند، به تعبیر دیگر می‌توان گفت از نظر اسلام، انسان آزاد نیست که خود را از قید بندگی خدا رها سازد، «هر که در دنیا زهد پیشه کند، خود را آزاد و خدای خود را خشنود ساخته است» (نوری طبرسی، ۱۹۸۷، ص ۱۲)؛ هدف از خلقت انسان را عبودیت خداوند می‌شمارد «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (سوره والذاریات، آیه ۵۶).

ماده ۱۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) مقرر می‌دارد: «... انسان آزاده متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای متعال...» قرآن کریم با شیوه‌های گوناگون پند و اندرز و ترغیب و تشویق به تفکر و تدبر و رجوع به فطرت و تهدید به انواع عذاب‌های اخروی و احیاناً فرجام بد در زندگی دنیوی، انسان‌ها را به بندگی خدا و دوری جستن از شرک و بدی‌ها دعوت می‌کند و در واقع از انسان آزاد مختار می‌خواهد که در گزینش خویش مسئولانه برخورد کند و عقیده صحیح، رفتار صحیح و گفتار را برگزیند پس انسان، آزاد است ولی اعمال این آزادی علاوه بر اینکه نباید با آزادی دیگران و مصالح آن‌ها مغایرت داشته باشد با خط روشنی که خداوند برای خود فرد نیز ترسیم کرده و آن هم چیزی جز سعادت و کمال او نیست نباید مغایر باشد، پس انسان در انتخاب شرک و بت‌پرستی، دروغ‌گویی، شرب خمر، خودکشی و امثال این اعمال و صفات رذیله آزاد نیست هرچند محل حقوق دیگران و نظم جامعه نباشد (مهرپور، ۱۳۷۱).

آزادی فردی و حدود آن در حکومت اسلامی

حکومت باید توجه داشته باشد که آزادی فردی در یک حکومت اسلامی به‌طور چشمگیری رعایت شود و جز در مواردی که اعمال آزادی فردی به آزادی دیگران یا مصالح و نظم جامعه خلل وارد نماید، حکومت، حق مداخله در امور افراد و محدود کردن آزادی آن‌ها ندارد. حکومت باید آزادی را برای شهروندانش فراهم کند؛ یعنی شهروندان به عنوان موجوداتی مستقل، صاحب اختیار خود باشند و بتوانند به عنوان موجوداتی با کرامت، شرافتمندانه زندگی کرده و آزاد باشند (کاتوزیان و پیلوار، ۱۳۹۳). در این زمینه می‌توان آزادی‌های فردی و حدود آن را در ارتباط با حکومت اسلامی به سه دسته تقسیم کرد (مهرپور، ۱۳۷۱):

آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد

آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان

آزادی عقیده و مذهب

- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد:

در مورد شق یک علی‌الاصول حکومت اسلامی دخالتی ندارد و شخص در اعمال اراده خود کاملاً آزاد و مستقل است هرچند عملی را که انجام می‌دهد قبیح و ناپسند باشد و اسلام به‌عنوان دین آن را تقبیح نموده و برای مرتکب آن وعده عذاب و کیفر اخروی داده است ولی اسلام به‌عنوان حکومت، کاری به او ندارد. در مورد این‌گونه اعمال و رفتار، اسلام اجازه تفتیش و بازرسی

و پیگیری را نمی‌دهد. انسان در داخل خانه خود و در اعمال شخصی خویش آزاد است امنیت دارد و مصون از بازرسی و تفتیش و تعقیب است.

قرآن کریم در سوره نور صریحاً از ورود در خانه دیگران بدون اجازه صاحب‌خانه منع می‌کند «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حت تستانسوا و تسلّموا علی اهلها ذالکم خیر لکم لعلکم تذكرون، فان لم تجدوا فیها احد افلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هواز کی لکم والله بما تعلمون علیم» (آیات ۲۸ و ۲۹) و در سوره حجرات از گمان بد بردن و تجسس و عیب‌جویی دیگران نهی می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتافکر هتموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم» (آیه ۱۳).

ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «... هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود. مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به‌صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود».

اسلام آن‌قدر برای حرمت اشخاص وعدم دخالت در اعمال خصوصی افراد اهمیت می‌دهد که حتی در صورت ظن و گمان و بروز برخی قرائن بر ارتکاب عمل منافی عفت، کسانی که نسبت انجام عمل خلافی را به کسی می‌دهند سخت مورد نكوهش قرار می‌دهد و خطاب به آنان می‌گوید شما این امر را آسان و سبک می‌شمارید درحالی‌که در نزد خداوند مطلب بسیار بزرگ و مهم است: «اذ تلقونه بالسننکم و تقولون بافواهکم مالیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عندالله عظیم و لولا اذسمعتموه قلتم مایکنون لنا ان نتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم» (سوره نور، آیه ۱۶ و ۱۷). سراسر آیات قرآن را که بررسی کنیم با همه وعده‌هایی که برای بدکاران به عذاب و نقت الهی داده‌شده است، مجازات دنیوی که از سوی حکومت اسلامی باید اعمال شود برای گناهان شخصی پیش‌بینی نشده است.

- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان:

در مورد این‌گونه اعمال و رفتار، اسلام نیز در بعد اعمال حکومت تقریباً همانند آنچه در اعلامیه‌های حقوق بشر آمده است عمل می‌کند یعنی معتقد به آزادی انسان هست و به او اختیار گزینش می‌دهد ولی این آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران، آزادی دیگران، نظم عمومی و مصالح جامعه لطمه وارد نسازد، بنابراین انسان آزادی شغل و کسب‌وکار، رفت‌وآمد، اقامت در

محلی که می‌خواهد، آزادی قلم و بیان و تشکیل انجمن و اجتماعات را دارد ولی در اعمال این حقوق باید مراعات حقوق دیگران را بنماید و هر جا خواست تجاوز به حقوق دیگران بکند آزادی محدود می‌شود و برای تخلف از آن علاوه بر پیش‌بینی کیفر اخروی، مجازات و ضمانت اجرای دنیوی که حکومت مباشر اعمال آن است پیش‌بینی شده است.

چنانچه برای قتل نفس، سرقت و ایجاد رعب و هراس و فتنه و فساد در بین مردم که به محاربه با خدا و رسول تعبیر شده است مجازات تعیین شده و در واقع حکومت اسلامی باید با این اعمال برخورد کند و جلوی تجاوز به حقوق مردم و جامعه از سوی افراد را بگیرد.

در مورد آزادی بیان و اظهارنظر، اسلام، به‌طور معقول و منطقی، به آن احترام می‌گذارد و آماده پذیرش و شنیدن اظهارنظر و هرگونه انتقاد هست و مخصوصاً یکی از صفات خوب بندگان خود را این می‌داند که حرف‌ها را می‌شنوند و بهترین آن‌ها را انتخاب می‌کنند (فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه سوره زمر، آیه ۲۰) لازمه این امر این است که در جامعه آزادی بیان وجود داشته باشد و مردم بتوانند حرف‌های گوناگون بزنند تا بتوان از میان آن‌ها بهترین را انتخاب کرد. ولی وقتی این آزادی بیان به‌گونه‌ای روشن همراه با غرض و برای لطمه زدن به کیان جامعه اسلامی و ایجاد بیم و ترس در میان مردم باشد آزادی بیان محدود می‌شود و حکومت اسلامی با آن برخورد می‌کند، بدین ترتیب است که قرآن کریم در مورد منافقین شایعه‌ساز و دروغ‌گو آن‌ها را به برخورد شدید حکومت تهدید می‌کنند. آیات ۶۱ و ۶۲ سوره احزاب را در این خصوص بنگرید: «لئن لم نیئته المنافقون والذین فی قلوبهم مرض والمرجفون فی المدینه لنگرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلاً معلونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا تفتیلاً».

بر اساس همین برداشت در مورد آزادی و اعمال و رفتار اجتماعی انسان ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر می‌گوید: «... هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به‌گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود...» و ماده ۱۴ می‌گوید: «انسان حق دارد، کسب مشروع بکند بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران...» و ماده ۲۲ مقرر می‌دارد:

هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.

هر انسانی حق دارد برای خیر و نهدی از منکر بر طبق ضوابط اسلامی دعوت کند.

تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اخلال در ارزش‌ها یا مشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود ممنوع است.

آزادی عقیده و مذهب:

اسلام مکتب آزاد فکری و آزاد اندیشی است آیات فراوانی از قرآن کریم، مردم را به تفکر و اندیشه و گزینش عقیده صحیح می‌خواند، شاید بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن، مردم را به تفکر، تعقل و تذکر دعوت می‌کند و یا به پیامبر (ص) تلقین می‌کند که برای اثبات حق یا ابطال باطل حجت و دلیل بیاورد و یا شیوه انبیاء را در احتجاج و استدلال نقل می‌کند و یا تعصب و تقلید کورکورانه و بی‌منطق بودن کفار را تقبیح می‌کند و یا کسانی را که با تفکر و اندیشه و دلیل و برهان، حرف حق را پذیرفتند و ایمان آوردند می‌ستایند.

اسلام، عقیده صحیح را، دین توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد می‌داند و انسان را به گزینش این عقیده سوق می‌دهد و هدایت می‌کند و از لحاظ فردی هر شخص را نزد خداوند مسئول می‌داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح توحیدی تلاش کند و از شرک و کفر دوری جوید ولی در عین حال، اجبار و اکراه را در دین نفی می‌کند، تمام کوشش بر این است که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آن وقت او آزاد است که آن را انتخاب کند یا باز هم از پذیرش آن سرباز زند و در گمراهی بماند یعنی خویشتن را در مرحله پست فکری نگه دارد و از فضیلت عبودیت حق محروم گرداند و مستجب عذاب الهی گردد: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یكفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها والله سميع علیم» (سوره بقره، آیه ۲۵۶)؛ «قد جائکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فلعلیها و ما انا علیکم بحفیظ» (سوره انعام، آیه ۱۰۵).

در زمینه اعمال و رفتار اجتماعی افراد، نیز حکومت اسلامی، نه تنها مانع اعمال این آزادی‌ها نیست بلکه مشوق آزادی‌های مزبور نیز هست آزادی شغل و کسب‌وکار، آزادی بیان و قلم و شرکت در اداره امور کشور و انتخاب شیوه بهتر برای اداره جامعه، مورد حمایت اسلام است و یک حکومت مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی باید آن‌ها را رعایت کنند. استفاده از این آزادی‌ها تا جایی است که به حقوق دیگران یا مصالح و نظم عمومی خلل وارد نیاورد که در این صورت در حق ضرورت طبعاً به حکم مقررات قانونی محدودیت‌هایی برقرار می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری:

همانگونه که بیان شد آزادی در اسلام مفهوم و حقیقت گسترده و ژرفی است و مطالعه در تعالیم اسلامی گونه‌های مختلف آزادی‌های فردی، اجتماعی سیاسی و بین المللی را ترسیم می‌کند. از دیدگاه اسلام، تمام انسان‌ها از نقطه نظر ذات انسانی برابرند همه از شرافت و کرامت انسانی برخوردارند انسان موجودی است شریف و برتر از سایر موجودات و در اصل این کرامت و فضیلت

همه یکسان‌اند، بنابراین هیچ‌کس ذاتاً برده به دنیا نمی‌آید، قرآن با لحنی عام و یکنواخت در مورد نوع بشر می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیرممن خلقنا تفضیلاً؛ بنی آدم را کرامت دادیم و آن‌ها را بر خشکی و دریا مسلط نمودیم و از چیزهای پاکیزه روزی آن‌ها دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود آن‌ها را برتری دادیم (سوره اسراء، آیه ۷۰). آیات قرآنی درباره‌ی حقوق فردی انسان‌ها بیش از موارد یادشده است، اما از همین آیات می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف تصور برخی مکاتب حقوقی، در بینش اسلامی عنصر حقوق، اخلاق، ارزش‌های انسانی و باورهای ایدئولوژیک عناصری تفکیک‌ناپذیرند. آزادی فردی یعنی داشتن حق و اختیار و مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود. حدود آزادی فردی در حکومت اسلامی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد عنوان می‌کند که انسان در داخل خانه خود و در اعمال شخصی خویش آزاد است، امنیت دارد و مصون از بازرسی و تفتیش و تعقیب است و اسلام صریحاً ورود به حریم شخصی افراد را منع کرده است، ۲. آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان بیان می‌کند که اسلام معتقد به آزادی انسان هست و به او اختیار گزینش می‌دهد ولی این آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران، آزادی دیگران، نظم عمومی و مصالح جامعه لطمه وارد نسازد و ۳. آزادی عقیده و مذهب اشاره به این موضوع دارد که اسلام، عقیده صحیح را، دین توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد می‌داند و هر شخص را نزد خداوند مسئول می‌داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح توحیدی تلاش کند و از شرک و کفر دوری جوید ولی درعین حال، اجبار و اکراه را در دین نفی می‌کند، اسلام تلاش می‌کند که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آن وقت او آزاد است که آن را انتخاب کند یا نپذیرد.

منابع:

- میرمعزی، سید حسین، (۱۳۸۷)، «آزادی‌ها و مسئولیت‌های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- میرمعزی، سید حسین، (۱۳۸۷)، «اقتصاد اسلامی، مبانی فلسفی»، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، «تفسیر المیزان»، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- مقام معظم رهبری، (۱۳۷۷)، «آزادی از نظر اسلام و غرب»، مجله اندیشه حوزه ویژه جامعه مدنی، سال چهارم، شماره دوم.

- نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، «مستدرک الوسائل»، بیروت: موسسه آل البیت علیم اسلام لاحیاء التراث.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، «میانی حقوق عمومی»، تهران: نشر دادگستر، ص ۳۹۲.
- قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات جاویدان.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، «انسان کامل»، تهران: انتشارات صدرا.
- کاتوزیان، ناصر و پیلوار، رحیم، (۱۳۹۳)، «مالکیت و آزادی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۱.
- اسلامی، هاشم، (۱۳۸۲)، «حق آزادی از منظر قرآن و لیبرالیسم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶، ویژه نامه قرآن و حقوق.
- مهرپور، حسین، (۱۳۷۱)، «آزادی فردی و حدود آن در حکومت اسلامی»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۵.